**بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)**

**چکیده**

پژوهش حاضر به دنبال يافتن پاسخ به اين سؤال است که، آیا بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ همچنین این موضوع بررسی می‌شود که چه ویژگی­هایی از شرکت وجود دارد که می‌تواند بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر گذار باشد؟

**هدف**: هدف اصلی این پژوهش مطالعه رابطه‌ی بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی سازوکارهای حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

**روش شناسی:** نمونه آماری پژوهش را 72 شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تشکیل می‌دهد. به منظور آزمون فرضیه‌های این پژوهش، از آزمون والد و همچنین از تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره در سطح خطای 5 درصد استفاده شده است.

**یافته های پژوهش:** با توجه به نتايج بدست آمده از تجزیه ‌و تحلیل فرضيه‌هاي پژوهش، مشخص شد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد که همه متغیرهای در نظر گرفته شده برای حاکمیت شرکتی با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارند، همچنین با وارد شدن اندازه هیئت‌مدیره، نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی به رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، با توجه به آزمون والد می‌توان نتیجه گرفت که اندازه هیئت‌مدیره، نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف می‌کنند.

**دانش افزایی:** در این پژوهش تاکید بر فرضیه تضاد منافع است. در این فرضیه با استفاده از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، که به عنوان یک عامل کنترلی جهت نظارت موثر بر فعالیت های مدیریت واحد تجاری تلقی می شود، منجر به تعدیل رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود می­گردد. سازوکارهای حاکمیت شرکتی عاملی است که می تواند بر کنترل مدیران و بهبود عملکرد شرکت تاثیرگذار باشد و همچنین موجب کاهش تضاد نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی و رفتارهای فرصت طلبانه مدیران گردد**.**

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت سود، معاملات با اشخاص وابسته، سازوکارهای حاکمیت شرکتی

### مقدمه

حاکمیت شرکتی دربرگیرنده مجموعه روابط بین سهامداران، مدیران، حسابرسان و سایر افراد ذینفع است که متضمن برقراری نظام کنترلی به‌منظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای صحیح مصوبات مجمع و جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی است. نظام حاکمیت شرکتی بیش از هر چیز، حیات شرکت را در بلندمدت هدف قرار داده است و سعی دارد تا از منافع سهامداران در مقابل مدیران شرکت‌ها پشتیبانی و از انتقال ناخواسته ثروت میان گروه‌های مختلف و تضییع حقوق عموم و سهامداران جزء، جلوگیری کند ]5[. بنابراین سازوکارهای حاکمیت شرکتی مناسب منجر به تقویت نظارت مؤثر بر فعالیت‌های مدیران واحدهای تجاری می‌شود، که این امر می‌تواند منجر به محدودیت اعمال‌نظر مدیریت در گزارش‌های مالی (ازجمله مدیریت سود) شود.

معاملات با اشخاص وابسته یکی از مواردی است که موضوع مدیریت سود در آن قابل طرح و بررسی است. دو نگرش نسبت به معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد که عبارتند از نگرش رفتار فرصت‌طلبانه (تئوری تضاد منافع) و نگرش رفتار کارا (فرضیه معاملات کارا) که وجود و عدم وجود هر یک از این رفتارها تابعی از حاکمیت شرکتی، قوانین حفاظت از سرمایه‌گذاران و به‌طورکلی فضای کسب ‌وکار کشورها است]10[.

شناسایی سازوکارهایی که بتواند در کاهش مدیریت سود و تضاد منافع موجود بین ذینفعان اثربخش باشد بسیار حائز اهمیت است. بنابراین در این پژوهش، سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌عنوان یک عامل کنترلی جهت نظارت مؤثر بر فعالیت‌های مدیریت واحد تجاری در نظر گرفته می‌شود. پژوهش حاضر به دنبال يافتن پاسخ به اين سؤال است که، آیا بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ همچنین این موضوع بررسی می‌شود که چه ویژگی­هایی از شرکت وجود دارد که می‌تواند بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر گذار باشد؟

ادامه قسمتهای مقاله شامل موارد زیر است: ابتدا مبانی نظری حاکمیت شرکتی، معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود معرفی می شود. سپس با مرور پیشینه فرضیه های پژوهش و نحوه آزمون آنها ارائه می شود. تجزیه و تحلیل یافته ها و نتیجه گیری بخش پایانی این مقاله را تشکیل می دهد.

###

**مبانی نظری پژوهش**

**حاکمیت شرکتی**

مبانی اولیه نظام حاکمیت شرکتی، از اوایل دهه‌ی 1990 با تهیه‌ی گزارش کادبری در انگلیس، گزارش دی در کانادا و مقررات هیئت‌مدیره در شرکت جنرال موتورز آمریکا، شکل گرفت. در جولای 2002، قانون ساربینز-آکسلی در آمریکا منتشره شد. این قانون از طریق بهبود روش‌های شفاف‌سازی در شرکت‌ها به دنبال محافظت از حقوق سرمایه گذاران بود. نظام حاکمیت شرکتی، به‌عنوان نظام مرتبط کننده چند شاخه‌ای علمی از قبیل؛ حسابداری، اقتصاد، مالی و حقوق و با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی موجب ترغیب و تقویت استفاده‌ی کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی شرکت‌ها در قبال سایر ذینفعان خود می‌شود. از جهت دیگر اجرای نظام حاکمیت شرکتی می‌تواند باعث تخصیص بهینه‌ی منابع و ارتقای شفافیت اطلاعات و درنهایت رشد توسعه‌ی اقتصادی شود]33[. در ایران نیز هرچند از اوایل دهه 1340 بورس اوراق بهادار تأسیس شد و در قانون تجارت و به‌ویژه در لایحه اصلاحی اسفندماه 1347، در موارد مرتبط با نحوه تأسیس و اداره شرکت‌ها تا حدودی مطرح‌شد، ولی موضوع حاکمیت شرکتی با مفهوم کنونی آن، در چند سال اخیر و در اوایل دهه 80 مطرح‌ شده است]6[.

ازآنجاکه هر گروه از ذینفعان منافع خاص خود را دارند که در مواردی متفاوت و حتی متعارض است و از سویی در دنیای واقعی، کامل بودن تمامی این قراردادها به دلیل محدودیت‌های ذاتی غیرممکن است، برای ایجاد تعادل بین ادعاهای رقیب گروه‌های مختلف و تأمین رضایت آن‌ها باید چاره‌ای اندیشید. موضوع حاکمیت شرکتی اصولاً برای ایجاد چنین تعادلی مطرح شد]20[. برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی معمول در ادامه مختصرا توضیح داده می شود.

#### سازوکارهای حاکمیت شرکتی

**الف- اندازه هیئت‌مدیره:** اندازه‌ی هیئت‌مدیره عبارت است از تعداد مدیران اعم از موظف و غیرموظف که عضو هیئت‌مدیره هستند. طبق نظریه نمایندگی، بیش‌تر بودن تعداد اعضا، نقش حیاتی در اتخاذ تصمیم‌های راهبردی شرکت‌ها دارد. همچنین، با افزایش تعداد اعضا، احتمال کنترل مدیریت افزایش می‌یابد و تجربه‌ی هیئت‌مدیره نیز بالا می‌رود.گرین]30[ معتقد است که تعداد اعضای هیئت‌مدیره باید محدود باشد تا امکان بحث و تبادل‌نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا شود. هیئت‌مدیره‌های بزرگ‌تر، از قدرت کمتری برخوردارند. در این‌گونه هیئت‌مدیره‌ها، توافق نظر و اجماع در خصوص یک موضوع خاص بسیار دشوار است. همچنین گودستین و همکاران]28[ دریافته‌اند که هیئت‌مدیره‌های کوچک‌تر بین 4 الی 6 عضو می‌توانند مؤثرتر باشند؛ زیرا به ‌واسطه کوچک بودن، قادرند تصمیمات راهبردی به‌موقع تری اتخاذ نمایند.

**ب- دوگانگی نقش مدیرعامل:** دوگانگيِ وظیفه مديرعامل به حالتي گفته می‌شود كه مديرعامل، رئيس هیئت‌مدیره نيز باشد. اين وضعيت سبب می‌شود مديرعامل داراي اختيار بيشتري براي كنترل اطلاعات در دسترس سایر اعضا باشد و درنتیجه ممكن است از نظارت مؤثر مديرعامل جلوگيري كند. قدرت تصمیم‌گیری متمركز درنتیجه دوگانگي وظیفه مديرعامل، ممكن است موجب كاهش استقلال هیئت‌مدیره و كاهش گرايش طبيعي آن، براي افشاي اختياري اطلاعات شود. همچنين با حضور مديرعامل در تركيب هیئت‌مدیره، تهديد كمتري براي از دست دادن كار دارد و اين دوگانگي وظايف سبب می‌شود، مدير انگیزه كمتري براي بهبود عملكرد داشته باشد كه بر عملكرد شركت اثر منفي می‌گذارد]38[.

بنابراین جدایی سمت مدیرعامل از ریاست هیئت‌مدیره یکی از لازمه‌های سیستم کارآمد حاکمیت شرکتی بوده و موجب می‌شود که هیئت‌مدیره بتواند به‌طور مستقل و به‌خوبی عملکرد مدیران را مورد ارزیابی و نقد قرار دهد و درنتیجه زمینه را برای بهبود سازوکارهای کنترلی و نظارتی در شرکت فراهم آورد]35[.

**پ- درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره:** هیئت‌مدیره شرکت، نهاد هدایت‌کننده‌ای است که نقش نظارت بر کار مدیران اجرایی را به‌منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد که موفقیت شرکت در گروی هدایت مطلوب آن است. وجود سازوکارهای "مطلوب" حاکمیت شرکتی، از قبیل تفکیک وظایف و یا ترکیب بهینه‌ای از مدیران موظف و غیرموظف و مستقل در هیئت‌مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به‌عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت کمک شایانی می‌کند]11[.

**ت- تمرکز مالکیت:** یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر کنترل و اداره شرکت‌ها ترکیب مالکیت و به‌خصوص تمرکز مالکیت سهامداران عمده است. چنین سهامدارانی، درصد قابل‌توجهی از سهام شرکت را در اختیار دارند و به‌نوبه خود می‌توانند اداره شرکت را در دست ‌گیرند. در مقابل، سهامداران خرد تمایل چندانی به کنترل و نظارت بر مدیران ندارند. وقتی تمرکز بالای مالکیت وجود دارد، امکان نظارت و کنترل بهتر بر عملکرد مدیریت شرکت فراهم می‌شود. همچنین بالا بودن تمرکز مالکیت، سبب فراهم شدن امکان کنترل و اداره شرکت توسط تعداد معدودی از سهامداران عمده می‌شود. نتیجه آن پیدایش مشکل نمایندگی بین این سهامداران عمده و تعداد زیادی سهامداران جزء است]2[.

**ث- مالکیت نهادی:** مالكيت نهادي شامل آن دسته از سرمایه‌گذاران حقوقي است كه نقش بااهميتي را در راهبري فعالیت‌های مديران ايفا می‌کنند. وجود مالكان نهادي باعث تكميل وظيفه راهبري در شركت شده و تصميمات مديريتي را در استفاده غيركارا از دارایی‌ها خنثي می‌کند. مالكان نهادي دركشورهاي داراي سازوکارهای حاكميتي و قانوني مستحكم توانايي كنترل بالاتري نسبت به مديران شرکت‌ها دارند]7[.

#### مدیریت سود

سود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد و سنجش نحوه ایفای وظیفه مباشرتی مدیریت، تحت تأثیر روش‌های برآوردی حسابداری قرار دارد. ازآنجاکه مسئولیت تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است، بنا به دلایل مختلف امکان مدیریت سود توسط وی نیز وجود دارد.

تعریف مدیریت سود را می‌توان به چهار گروه عمده الف) تعریف براساس قصد و نیت مدیریت، ب) تعریف براساس کیفیت سود گزارش‌شده، پ) تعریف براساس اختیار مدیریت در گزارشگری و ت) تعریف براساس استانداردهای حسابداری تقسیم کرد]39[. تعاریف متعددی از مدیریت سود نیز توسط محققین مطرح شده است]23، 26و40[.

**مدیریت سود کارا و مدیریت سود فرصت‌طلبانه**

در رابطه با مدیریت سود، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. موافقان مدیریت سود دلیل موافقت خود با اعمال هموارسازی و مدیریت سود را ایجاد سهولت در پیش‌بینی سود دوره‌های آتی و پیش‌بینی ارزش‌های بازار عنوان کرده‌اند. به اعتقاد آنان درصورتی‌که هموارسازی تحقق یابد، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری با استفاده از عملکردهای گذشته، تسهیل می‌شود. به عقیده ترومن و تیتمن]43[ هموارسازی، پراکندگی سودهای گزارش‌شده را کاهش می‌دهد و بدین ترتیب منجر به کاهش هزینه‌های استقراض شرکت شده و به روابط میان شرکت و مشتریان، فروشندگان و کارکنان اثر مساعد دارد.

یک جنبه مهم استانداردهای حسابداری وضع‌شده و فرایند آن با ساختارهای حاکمیت شرکتی موجود، فراهم کردن انعطاف‌پذیری و قضاوت شخصی برای مدیران است. برخی از صلاحدیدها و قضاوت‌های شخصی در گزارشگری، مدیران را به انتقال موثق اطلاعات خصوصی خود به سهامداران، قادر می‌سازد. چنین کاربردی از صلاحدید و قضاوت شخصی، بیانگر مدیریت سود کارا است. از سوی دیگر، اشکال وارده بر اعمال قضاوت‌های شخصی و صلاحدیدها در گزارشگری عملکرد مالی این است که مدیران ممکن است برای جلوگیری از انتقال اطلاعات درباره عملکرد بالقوه ضعیف جاری یا آتی، از این توانایی استفاده کنند. چنین رفتاری در گزارشگری، جنبه اطلاع‌رسانی سود را کاهش می‌دهد و بیانگر مدیریت سود فرصت‌طلبانه است. رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت در رابطه با گزارشگری مالی ممکن است ناشی از مشکلات نمایندگی باشد که در نظریه نمایندگی مطرح است.

این موضوع که مدیریت سود خوب است یا بد، به چگونگی کاربرد آن بستگی دارد. درمجموع فاصله بسیار ظریفی بین مدیریت سود خوب و مدیریت سود نامناسب می‌تواند وجود داشته باشد که موقعیت و اندازه این فاصله به‌وسیله تدوین‌کنندگان استانداردها، بورس و اوراق بهادار و دولت مشخص می‌شود]41[. با این اوصاف، کارا یا فرصت‌طلبانه بودن مدیریت سود، موضوعی کاملاً نسبی بوده و تعیین آن می‌تواند بسته به چگونگی و شرایط کاربرد مدیریت سود، بین این دو جنبه تغییر کند.

**حاکمیت شرکتی و مدیریت سود**

حاکمیت شرکتی به‌طور مؤثری شرکت‌ها را بر آن می‌دارد تا سیاست محافظه‌کارانه را بکار گرفته و با جلوگیری از اعمال مدیریت سود نادرست، سود خود را افزایش دهند]36[.همچنین پژوهش‌های انجام‌شده توسط چن والدر ]24[ و لیو و لو ]37[ نیز نشان می‌دهد که سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌طور مؤثری مدیریت سود را کاهش می‌دهد. گائو و کلینگ]27[ دریافتند که سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی از معاملات با اشخاص وابسته زیان‌آور جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، تأثیر معاملات با اشخاص وابسته زیان‌آور بر مدیریت سود به سازوکارهای حاکمیت شرکتی بستگی دارد]26[.

**معاملات با اشخاص وابسته**

قانون‌گذاران و استانداردگذاران موضعی در مورد مضر یا مفید بودن معاملات با اشخاص وابسته برای شرکت و سهامداران آن اتخاذ نکرده‌اند. به‌طورکلی نتایج تحقیقات انجام‌شده نیز دو دیدگاه متضاد را در مورد اثر این معاملات بر عملکرد شرکت نشان داده‌اند؛ دیدگاه معاملات کارا که با مفهوم تقویت و پشتیبانی مرتبط است و دیدگاه تضاد منافع که به مفهوم انتقال ثروت مربوط می‌گردد. طرفداران دیدگاه معاملات کارا معتقدند که معاملات با اشخاص وابسته باعث بهبود عملکرد و وضعیت مالی شرکت می‌شود. در مقابل طرفداران دیدگاه تضاد منافع معتقدند که معاملات با اشخاص وابسته همواره به نفع شرکت نیست و معمولاً به نفع شخص وابسته طرف معامله است]4[. در ادامه این دو دیدگاه بررسی می‌گردد.

**دیدگاه معاملات کارا:** رفتار منفعت طلبانه از طریق مدیران در معاملات با اشخاص وابسته همواره موضوع بدی نیست، بلکه این گرایش‌های منفعت طلبانه می‌تواند گاهی اوقات کنترل‌شده و با حداکثرسازی ثروت هم سو شود. انواع مختلف معاملات تجاری داخلی مانند تضمین بدهی، با هدف کمک مالی مقطعی انجام می‌شود؛ بنابراین بازار سرمایه داخلی شرکت‌های گروه کامل‌کننده بازارهای سرمایه بیرونی ناکارآمد هستند و ادغام عمودی وسیع در یک گروه آن را قادر می‌سازد که هزینه معاملات را کاهش داده و فناوری‌ها را به اشتراک بگذارد]42[.

**دیدگاه تضاد منافع:** طبق نظریه نمایندگی و مفهوم انتقال ثروت ممکن است مدیران از معاملات با اشخاص وابسته به‌عنوان ابزاری برای انتقال ثروت یا سود از شرکت استفاده کنند و این موضوع باعث بهره‌کشی از حقوق سهامداران اقلیت می‌شود]31 و 34[. تحقیقاتی که در حوزه واکنش بازار انجام‌شده است نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته داشته‌اند ارزش بازار کمتری دارند ]32 و 29[.

**تاثیر تعدیل کنندگی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود**

معاملات با اشخاص وابسته را می توان از دیدگاه دو نظریه بررسی کرد. با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی های شرکت به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند، اما فرضیه معاملات کارا حاکی از آن است که گاهی برای دسترسی به تجربه، تخصص و مهارت منحصر به فرد اشخاص وابسته یا جبران خدمات، معاملات با آنها انجام می گیرد که در این صورت، انگیزه ای برای مدیریت سود وجود ندارد ]29[. در این پژوهش تاکید بر فرضیه تضاد منافع است. در این فرضیه با استفاده از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، که به عنوان یک عامل کنترلی جهت نظارت موثر بر فعالیت های مدیریت واحد تجاری تلقی می شود، منجر به تعدیل رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود می­گردد. سازوکارهای حاکمیت شرکتی عاملی است که می تواند بر کنترل مدیران و بهبود عملکرد شرکت تاثیرگذار باشد و همچنین موجب کاهش تضاد نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی و رفتارهای فرصت طلبانه مدیران گردد]31[.

**پیشینه خارجی**

فرح میتا و اوتاما ]26[ به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر روی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. در این پژوهش داده‌های مربوط به دوره زمانی 2007-2005 را مورد تجزیه‌وتحلیل قراردادند. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود پیش از آنکه تحت تأثیر سلب مالکیت و سازوکارهای حاکمیت شرکتی باشد، متأثر از معاملات با اشخاص وابسته است و ارتباطی با اندازه و ارزش شرکت ندارد. انتظار می‌رود شرکت‌های درگیر در معاملات با اشخاص وابسته پیش از آنکه منجر به سلب مالکیت با سازوکارهای حاکمیت شرکتی ضعیف شوند، تمایل به افزایش مدیریت سود دارند.

لیو و لو]37[ به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های چینی پرداختند. در این پژوهش داده‌های مربوط به دوره زمانی 2005-1999 را مورد تجزیه ‌و تحلیل قراردادند. نتایج بیانگر این است که سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌طور مؤثری مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

گردن و همکاران ]29[ در مطالعه‌ای ارتباط معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را با استفاده از داده‌های مالی 331 شرکت، طی دوره زمانی 2000 تا 2001 مورد بررسی قراردادند. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود از طریق معاملات مالی مثل وام گرفتن و وام دادن به اشخاص وابسته و معاملات با اشخاص وابسته باهم در ارتباط هستند و معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های آمریکایی با حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر، ارتباط مثبت دارد.

**پیشینه داخلی**

مهرانی و نوروزی]17[، در پژوهشی تاثیر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود را در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1391-1386 را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سهامداران مدیریت سود را فرصت‌طلبانه تلقی کرده و مدیریت سود دارای اثری منفی بر ارزش شرکت است ولی در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی چنین اثری کاهش می‌یابد و به عبارت دیگر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و ارزش شرکت تاثیر مثبت دارد و شرکت‌های دارای رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر با اثر منفی کمتری مواجه هستند.

عباس زاده و همکاران ]13[ در پژوهشی فرا تحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را بررسی کردند. این پژوهش روی نمونه‌ای شامل 49 مطالعه، مشتمل بر 30 مطالعه خارجی در دوره زمانی 2014-2000 و 19 مطالعه داخلی طی سال‌های 1393-1380 اجرا شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد: 1. نوع و علامت اقلام تعهدی به‌منزله متغیر تعدیل‌کننده روابط میان اندازه هیئت‌مدیره، مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت و مدیریت سود محسوب می‌شوند و 2. مدل اقلام تعهدی و نوع سیستم حاکمیت شرکتی، موجب تعدیل روابط میان استقلال و اندازه هیئت‌مدیره و مدیریت سود می‌شوند.

سرلک و اکبری]9[ به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. در این پژوهش داده‌های 145 شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال 1390-1386 مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های تلفیقی از رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

### با توجه به پیشینه داخلی می توان ملاحظه نمود که در پژوهشهای گذشته اگرچه ارتباط میان هر یک از متغیرهای مدیریت سود، معاملات با اشخاص وابسته و حاکمیت شرکتی به صورت مجزا بررسی شده است، اما ارتباط همزمان این متغیرها و آثار آنها بر یکدیگر مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو در این پژوهش این موضوع بررسی می شود.

**فرضیه‌های پژوهش**

به‌منظور انجام پژوهش و دستیابی به اهداف پژوهش و براساس مطالعات، مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش مطرح‌شده در بخش‌های قبل، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

**فرضیه اصلی:** سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

**فرضیه فرعی اول:** اندازه هیئت‌مدیره، بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

**فرضیه فرعی دوم:** نسبت مدیران غیرموظف، بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

**فرضیه فرعی سوم:** دوگانگی نقش مدیرعامل، بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

**فرضیه فرعی چهارم:** تمرکز مالکیت، بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

**فرضیه فرعی پنجم:** مالکیت نهادی، بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

**روش پژوهش**

این پژوهش کاربردی است. طرح پژوهش آن از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس­رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. متغیرهای پژوهش از طریق صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران استخراج‌شده است. از روش پس­رویدادی (طرح فقط پس­آزمون) زمانی استفاده می­شود که پژوهشگر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می­پردازد؛ افزون بر این، امکان دست‌کاری متغیرهای مستقل در این پژوهش وجود ندارد.

**متغیر وابسته پژوهش**

در این پژوهش مدیریت سود به‌عنوان متغیر وابسته، در نظر گرفته می‌شود. بررسی ادبیات مبتنی بر مدیریت سود بیانگر این است که تعداد زیادی از پژوهشگران این حوزه از اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان جایگزینی مناسب برای متغیر وابسته مدیریت سود استفاده نموده‌اند. براساس مدل تعدیل‌شده جونز که دیچو و همکاران ]25[ آن را توسعه دادند جمع اقلام تعهدی، به اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تفکیک می‌شود. اقلام تعهدی اختیاری بیشتر می‌تواند در معرض مدیریت و دست‌کاری قرار گیرد. قبل از تخمین اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی کل از رابطه (1) محاسبه می‌شود. پژوهشگران ]6، 8،15،18 و 19[ از این روش استفاده کرده اند.

رابطه (1)

$TA\_{it}=[(∆CA\_{it}-∆CASH\_{it})-(∆CL\_{it}-∆CMLTDL\_{it})-DEP\_{it}] /TA\_{t-1}$

که در این رابطه:

=$TA\_{it}$جمع کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t

 =$∆CA\_{it}$تغییر در دارایی‌های جاری شرکت i در سال t

=$∆CL\_{it}$تغییر در بدهی‌های جاری شرکت i در سال t

 =$∆CASH\_{it}$تغییر در وجوه نقد شرکت i در سال t

 =$∆CMLTDL\_{it}$تغییر در حصه جاری بدهی‌های غیر جاری شرکت i در سال t

 =$DEP\_{it}$هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت و نامشهود شرکت i در سال t و

 =$TA\_{t-1}$جمع کل دارایی‌های ثابت و نامشهود شرکت i در سال t

سپس با استفاده از اقلام تعهدی کل به دو بخش اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تجزیه می‌شود. با استفاده از رابطه (2)، مقادیر $ α\_{1 }$، $α\_{2}$ و $α\_{3}$ به‌صورت مقطعی برآورد می‌شود.

 در مدل یادشده به‌منظور محاسبه اقلام تعهدی اختیاری یعنی اقلامی که مدیران بر روی آن‌ها آزادی عمل دارند ابتدا باید اقلام تعهدی غیر اختیاری (NDA) از طریق فرمول زیر محاسبه شود:

رابطه (2)

$$ TAC\_{it}/TA\_{i,t-1}=α\_{1}( 1/TA\_{i,t-1}+α\_{2}( ∆REV\_{i,t}/TA\_{i,t-1})+α\_{3}( PPE\_{i,t}/TA\_{i,t-1})+ε$$

که در آن:

 =$ TAC\_{it}$مجموع اقلام تعهدی شرکت i در سال t

 =$TA\_{i,t-1}$جمع کل دارایی‌های شرکت i در سال t-1

 =$∆REV$تغییر در خالص درآمد شرکت i، بین سال t-1 و t و

=$PPEit$دارایی ثابت مشهود شرکت i در سال t

 مقادیر $α\_{3} و α\_{2} و α\_{1}$ محاسبه‌شده در رابطه (3) جای گذاری شده و سپس مقدار NDA محاسبه می‌شود. محاسبه اقلام تعهدی غیر اختیاری به‌صورت زیر است:

رابطه (3)

$$ NDA\_{it}=α\_{1}\left(1/TA\_{i,t-1}\right)+α\_{2}[(∆REV\_{i,t}-∆REC\_{i,t})/TA\_{i,t-1}]+α\_{3}[PPE\_{i,t}/TA\_{i,t-1}]$$

*که در آن:*

$:∆REC\_{i,t}$ *تغییرات حساب‌های دریافتنی شرکت i بین سال‌های t و t-1. در نتیجه اقلام تعهدی اختیاری نیز از رابطه 4 به دست می‌آید.*

*رابطه (4)*

*DAC= TA-NDA*

#### متغیر مستقل

در این پژوهش، معاملات با اشخاص وابسته به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می­شود. مقدار این معاملات از لگاریتم طبیعی جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته افشاء شده در یادداشت­های همراه صورت­های مالی سالانه شرکت­های مورد بررسی به دست می­آید]10 و 12[.

#### متغیرهای تعدیل‌کننده سازوکارهای حاکمیت شرکتی

**اندازه هیئت‌مدیره:** اندازه هیئت‌مدیره برابر است با تعداد اعضای هیئت‌مدیره.

 **نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره:** عبارت است از نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به‌کل اعضای هیئت‌مدیره.

 **دوگانگی نقش مدیرعامل:** این متغیر بیان می‌دارد که آیا در شرکت مورد بررسی، شخص مدیرعامل از شخص رئیس هیئت‌مدیره جدا هست یا خیر؟ اگر هر دو نقش یکی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

 **تمرکز مالکیت:** تمرکز مالکیت عبارت است از چگونگی توزیع سهام بین سهامداران شرکت‌های مختلف. هر چه تعداد سهامداران کمتر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود. در این پژوهش به‌منظور محاسبه نسبت مالکیت از شاخص هرفیندال–هیرشمن استفاده ‌شده است. این شاخص از مجموع مجذور درصد سهام متعلق به سهامداران شرکت‌ها و از رابطه (5) به دست می‌آید]12[.

رابطه (5)

 HHI$=\sum\_{i=1}^{n}(\frac{Pi}{P}×100)^{2}$

 **مالکیت نهادی:** یکی از سازوکارهای برون‌سازمانی مؤثر بر حاکمیت شرکتی که دارای اهمیت فزاینده‌ای است، ظهور سرمایه‌گذاران نهادی است. سرمایه‌گذاران نهادی بخش قابل‌توجهی از سهام شرکت‌ها را در اختیاردارند و از نفوذ قابل‌ملاحظه‌ای در شرکت‌ها برخوردار هستند. سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های دولتی و دیگر اجزای دولت هستند]18[. این متغیر از طریق درصد کل سهام تملک شده ‌به‌وسیله سهامداران نهادی به‌کل حقوق صاحبان سرمایه اندازه‌گیری می‌شود.

#### متغیرهای کنترلی

**اندازه شرکت:** به‌صورت لگاریتم طبیعی مجموع ارزش دفتری دارایی‌های شرکت در پایان دوره مالی اندازه‌گیری می‌شود. علت استفاده از این متغیر کنترلی، حذف اثرات مربوط به تفاوت در اندازه شرکت‌های موردبررسی است]16[.

 **اهرم مالی:** از نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها به دست می‌آید. علت استفاده از این متغیر کنترلی، حذف اثرات مربوط به تفاوت در اهرم مالی شرکت‌های موردبررسی است]16[.

**روش گردآوری اطلاعات**

به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک‌های اطلاعاتی ره‌آورد نوین و تدبیر پرداز استفاده خواهد شد. در مواردی که داده‌های موجود در این بانک‌های اطلاعاتی ناقص باشد، به آرشیوهای دستی موجود در کتابخانه سازمان بورس و اوراق بهادار و سایت codal.ir مراجعه خواهد شد. همچنین جهت آزمون فرضیه‌ها و درنهایت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Excel نسخه 16و نرم‌افزار آماری EVIEWS نسخه 9 استفاده خواهد شد.

**الگوهای‌ پژوهش**

در این پژوهش برای آزمون هر یک از فرضیه های پژوهش براساس *الگوی* تحقیق فرح میتا و اوتاما]26[ استفاده می‌شود:

رابطه شماره (6)

$DA=α\_{1}+β\_{1}RPT\_{it}+δ\_{1}SIZE\_{it}+ρ\_{1}LEV\_{it}+ε\_{it}$

 رابطه شماره (7)

$$DA=α\_{2}+β\_{2}RPT\_{it}+γ\_{1}\left(RPT\_{it}×BOARD\_{it}\right)+ω\_{1}BOARD\_{it}+δ\_{2}SIZE\_{it}+ρ\_{2}LEV\_{it}+ε\_{it}$$

رابطه شماره (8)

$DA=α\_{3}+β\_{3}RPT\_{it}+γ\_{2}\left(RPT\_{it}×BRDIND\_{it}\right)+ω\_{2}BRDIND\_{it}+δ\_{3}SIZE\_{it}+ρ\_{3}LEV\_{it}+ε\_{it}$

رابطه شماره (9)

$DA=α\_{4}+β\_{4}RPT\_{it}+γ\_{3}\left(RPTit×CEOit\right)+ω\_{3}CEOit+δ\_{4}SIZE\_{it}+ρ\_{4}LEV\_{it}+ε\_{it} $

رابطه شماره (10)

$$DA=α\_{5}+β\_{5}RPT\_{it}+γ\_{4}\left(RPT\_{it}×CONC\_{it}\right)+ω\_{4}CONC\_{it}+δ\_{5}SIZE\_{it}+ρ\_{5}LEV\_{it}+ε\_{it } $$

رابطه شماره (11)

$$DA=α\_{6}+β\_{6}RPT\_{it}+γ\_{5}\left(RPT\_{it}×INOWN\_{it}\right)+ω\_{5}INOWN\_{it}+δ\_{6}SIZE\_{it}+ρ\_{6}LEV\_{it} +ε\_{it } $$

که درآن:

|  |  |
| --- | --- |
| DA : مدیریت سود ( اقلام تعهدی اختیاری) RPT : معاملات با اشخاص وابسته BOARD : اندازه هیئت‌مدیره :BRDIND نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره CEO : دوگانگی نقش مدیرعامل  | CONC : تمرکز مالکیت  INOWN : مالکیت نهادی  SIZE: لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها وLEV : اهرم مالی |

در این پژوهش ابتدا با استفاده از آزمون لوین، لین و چو پایایی متغیرهای به‌کاررفته در *الگو*­های پژوهش سنجیده شد و نتایج نشان داد متغيرهاي مستقل، وابسته و کنترلي پژوهش در طي دوره پژوهش در سطح پايا هستند. اين بدان معني است که ميانگين و واريانس متغيرها در طول زمان و کوواريانس متغيرها بين سال‌هاي مختلف ثابت بوده است. درنتیجه، شرکت‌هاي موردبررسی تغييرات ساختاري نداشته و استفاده از اين متغيرها در الگو باعث به وجود آمدن رگرسيون کاذب نمي‌شود. پس از بررسی پایایی متغیرها و نرمال بودن باقیمانده‌ها که پیش‌نیاز انجام رگرسیون است براي تخمين *الگو* و براي تعيين استفاده از *الگوی* داده‌هاي تابلويي يا *الگوی* داده‌هاي تلفيقي از آزمون F ليمر و برای تعیین نوع پانل از آزمون هاسمن استفاده شد.

**یافته های پژوهش**

**آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش**

پیش از آزمون فرضیه‌ها، به بیان آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیل‌کننده و کنترلی پژوهش پرداخته‌شده است. در نگاره (1) این نتایج نشان داده شده است.

|  |
| --- |
| **نگاره 1- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش** |
| **متغیر** | **بیشینه** | **کمینه** | **میانگین** | **میانه** | **انحراف معیار** |
| اهرم مالی | 0123/1 | 0964/0 | 6175/0 | 6445/0 | 1822/0 |
| لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها | 9863/17 | 0863/10 | 5715/13 | 4044/13 | 3661/1 |
| درصد مالکیت نهادی | 1 | 121/0 | 6388/0 | 7048/0 | 2613/0 |
| تمرکز مالکیت | 1625/0 | 0 | 3593/0 | 32/0 | 2325/0 |
| دوگانگی نقش مدیرعامل | 1 | 0 | 0361/0 | 0 | 1867/0 |
| نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره | 1 | 0 | 1864/0 | 0 | 2948/0 |
| اندازه هیئت‌مدیره | 7 | 5 | 1333/5 | 5 | 3825/0 |
| معاملات با اشخاص وابسته | 0348/34 | 4502/18 | 4041/25 | 5319/25 | 385/2 |
| مدیریت سود | 7889/0 | 4042/0- | 0714/0 | 0609/0 | 1625/0 |

منبع: یافته های پژوهش

مدیریت سود محاسبه شده براساس *الگوی* تعدیل شده جونز دارای میانگین 0714/0 و میانه 0609/0 است و کمتر بودن میزان میانه از میانگین نشانگر چوله به راست بودن داده­ها است. این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد بررسی در پژوهش، دارای مدیریت سود پایینی هستند. در ارتباط با متغیر درصد مالکیت نهادی، میانگین 6388/0 نشان می­دهد که بیش از 50 درصد مالکیت شرکت­های نمونه­ی پژوهش در دست سهامداران حقوقی است. انحراف معیار این متغیر، که نشانگر میزان پراکندگی داده­های مربوط به این متغیر است، عدد 2613/0 را نشان ­می­دهد، متغیر اندازه هیئت‌مدیره دارای شاخص­های مرکزی 5 و نزدیک به 5 است. این موضوع نشان می­دهد به طور میانگین در نمونه مطالعه، بیشتر شرکت­ها دارای 5 عضو هیئت‌مدیره هستند. همچنین وجود میانگین 6175/0 نشان می‌دهد که میانگین نسبت اهرم مالی در شرکت‌های مورد بررسی در حدود 6175/0 درصد است که نشان‌دهنده‌ی درصد بالای بدهی در ساختار سرمایه این شرکت‌ها است.

#### نتایج آزمون مدل اول پژوهش

نتایج حاصل از آزمون *رابطه*(1)، در نگاره (2) ارائه ‌شده است.

##### **نگاره 2- تحلیل رگرسیون *رابطه* (1)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **شرح** | **ضریب** | **آماره t** | **انحراف معیار خطا** | **سطح معناداری** |
| ***a1*** | **ضریب ثابت** | 8844/0- | 8136/12- | 0692/0 | 000/0 |
| **RPT** | **معاملات با اشخاص وابسته** | 0226/0 | 5593/10 | 0021/0 | 000/0 |
| **Size** | **اندازه** | 0304/0 | 3192/6 | 0048/0 | 000/0 |
| **Lev** | **اهرم مالی** | 0735/0- | 8918/1- | 0388/0 | 059/0 |
| **آماره دوربین واتسون** | 0146/2 | **ضریب تعیین** | 388/0 |
| **ضریب تعیین تعدیل‌شده** | 3478/0 |
| **آماره F** | 527/5 |
| **سطح معناداری** | 000/0 |

منبع: یافته های پژوهش

 ضریب تعیین *الگو* عدد 388/0را نشان می­دهد که بیانگر میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل است. دوربین واتسون که بیانگر عدم همبستگی باقیمانده‌های *الگو* است، عدد 0146/2 را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده­ی مستقل بودن باقیمانده‌های *الگو* است. آماره بدست آمده در *الگوی* آزمون فرضیه اول عدد 527/5 با سطح معناداری کمتر از 05/ است، که نشان می­دهد *الگوی* رگرسیونی معنادار است.

#### نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

نتایج حاصل از آزمون *رابطه* (2)، در نگاره 2 ارائه‌شده است.

##### **نگاره 2- تحلیل رگرسیون *رابطه* (2)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **شرح** | **ضریب** | **آماره t** | **انحراف معیار خطا** | **سطح معناداری** |
| ***a1*** | **ضریب ثابت** | 1496/0- | 8317/1- | 0816/0 | 0674/0 |
| **RPT** | **معاملات با اشخاص وابسته** | 0210/0 | 6453/9 | 0021/0 | 000/0 |
| **Board\* RPT** | **معاملات با اشخاص وابسته \* اندازه هیئت‌مدیره** | 0023/0- | 1765/6- | 0003/0 | 000/0 |
| **Board** | **اندازه هیئت‌مدیره** | 0497/- | 2863/4- | 0116/0 | 000/0 |
| **Size** | **اندازه** | 0205/0 | 3636/4 | 0047/0 | 000/0 |
| **Lev** | **اهرم مالی** | 0528/0- | 5476/1- |  | 1222/0 |
| **آماره دوربین واتسون** | 0747/2 | **ضریب تعیین** | 5303/0 |
| **ضریب تعیین تعدیل‌شده** | 4747/0 |
| **آماره F** | 5524/9 |
| **سطح معناداری** | 000/0 |

منبع: یافته های پژوهش

ضریب تعیین *الگو* عدد 5303/0 را نشان می­دهد که بیانگر میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل است که افزایش این ضریب در *رابطه* (2) نسبت به *رابطه* (1) را نشان می­دهد. آماره بدست آمده در *الگوی* آزمون فرضیه فرعی اول عدد 5524/9 با سطح معناداری کمتر از 05/0 است، که نشان می­دهد *الگوی* رگرسیونی معنادار است. به‌منظور آزمون فرضیه فرعی اول و بررسی اثر اندازه هیئت‌مدیره بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، از آزمون والد استفاده‌شده و نتایج در نگاره 3 گزارش شده است.

##### **نگاره 3- نتایج آزمون والد فرضیه فرعی اول**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **خطای استاندارد برآورد** | **سطح معناداری** | **آماره F** | **تفاضل ضرایب** | **ضرایب** |
| 0019/0 | 000/0 | 3663/219 | 0233/0 | $β\_{2}$-$γ\_{1}$ |

منبع: یافته های پژوهش

براساس نتایج نگاره (3) با توجه به سطح معناداري آزمون والد ضرایب دو متغیر
معاملات با اشخاص وابسته ($β\_{2}$) و اندازه هیئت‌مدیره در معاملات با اشخاص وابسته ($γ\_{1}$) برابر 000/0 و کمتر از 05/0 است. بنابراین، فرضیه برابري ضرایب متغیرهاي پذیرفته‌نشده و ضرایب برابر نیستند. تفاضل ضرایب مثبت و برابر با 0233/0 است. ازاین‌رو، با وارد شدن اندازه هیئت‌مدیره به رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، اندازه و قدرت توضیح دهندگی ضریب کم شده است. بنابراین می­توان نتیجه گرفت که اندازه هیئت‌مدیره، رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف می­کند. بنابراین فرضیه فرعی اول تایید می­شود.

#### نتایج آزمون مدل سوم پژوهش

نتایج حاصل از آزمون *رابطه* (3)، در نگاره (4) ارائه‌شده است.

**نگاره 4- تحلیل رگرسیون *رابطه* (3 )**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **شرح** | **ضریب** | **آماره t** | **انحراف معیار خطا** | **سطح معناداری** |
| ***a1*** | **ضریب ثابت** | 6809/0- | 9935/9- | 0679/0 | 000/0 |
| **RPT** | **معاملات با اشخاص وابسته** | 0174/0 | 3416/8 | 0020/0 | 000/0 |
| **RPT- Brdind** | **معاملات با اشخاص\* نسبت اعضای** | 0306/0- | 6535/4- | 0065/0 | 000/0 |
| **Brdind** | **نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره** | 1054/0- | 8517/3- | 0273/0 | 0005/0 |
| **Size** | **اندازه شرکت** | 028/0 | 2166/6 | 0045/0 | 000/0 |
| **Lev** | **اهرم مالی** | 0692/0- | 9040/1- | 0363/0 | 0573/0 |
| **آماره دوربین واتسون** | 0617/2 | **ضریب تعیین** | 466/0 |
| **ضریب تعیین تعدیل شده تعدیل‌شده** | 4029/0 |
| **آماره F** | 3849/7 |
| **سطح معناداری** | 000/.0 |

منبع: یافته های پژوهش

ضریب تعیین *الگو* عدد 4660/0 را نشان می­دهد که بیانگر میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل است که افزایش این ضریب در *رابطه* (3) نسبت به *رابطه* (1) را نشان می­دهد. آماره بدست آمده در *الگوی* آزمون فرضیه سوم عدد 3849/7 با سطح معناداری کمتر از 05/0 است، که نشان می­دهد *الگوی* رگرسیونی معنادار است. به‌منظور آزمون فرضیه فرعی دوم و بررسی اثر نسبت مدیران غیرموظف بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، از آزمون والد استفاده ‌شده و نتایج در نگاره (5) گزارش شده است.

##### **نگاره 5- نتایج آزمون والد فرضیه فرعی دوم**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **خطای استاندارد برآورد** | **سطح معناداری** | **آماره F** | **تفاضل ضرایب** | **ضرایب** |
| 002/0 | 000/0 | 9853/142 | 0481/0 | $β\_{3}$-$γ\_{3}$ |

منبع: یافته های پژوهش

براساس نتایج نگاره 5 با توجه به سطح معناداري آزمون والد ضرایب دو متغیر
معاملات با اشخاص وابسته ($β\_{2}$) و نسبت مدیران غیرموظف هیئت‌مدیره در معاملات با اشخاص وابسته ($γ\_{1}$) برابر 000/0 و کمتر از 05/0 است. بنابراین، فرضیه برابري ضرایب متغیرهاي پذیرفته‌نشده و ضرایب برابر نیستند. تفاضل ضرایب مثبت و برابر با 0481/0 است. ازاین‌رو، با وارد شدن اندازه هیئت‌مدیره به رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، اندازه و قدرت توضیح دهندگی ضریب کم شده است. بنابراین می­توان نتیجه گرفت که نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف می­کند. بنابراین فرضیه فرعی دوم تایید می­شود.

#### نتایج آزمون مدل چهارم پژوهش

نتایج حاصل از آزمون *رابطه(*4)، در نگاره 6 ارائه ‌شده است.

##### **نگاره 6- تحلیل رگرسیون *رابطه*(4)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **شرح** | **ضریب** | **آماره t** | **انحراف معیار خطا** | **سطح معناداری** |
| ***a1*** | **ضریب ثابت** | 7068/0- | 3866/10- | 068/0 | 000/0 |
| **RPT** | **معاملات با اشخاص وابسته** | 0141/0 | 8456/5 | 0024/0 | 000/0 |
| **RPT\* Ceo** | **معاملات با اشخاص وابسته\* دوگانگی نقش مدیرعامل** | 0135/0- | 7393/2- | 0049/0 | 0073/0 |
| **Ceo** | **دوگانگی نقش مدیرعامل** | 2842/0- | 3667/2- | 1201/0 | 0182/0 |
| **Size** | **اندازه** | 0339/0 | 479/7 | 0045/0 | 000/0 |
| **Lev** | **اهرم مالی** | 0546/0- | 5223/1- | 0358/0 | 1284/0 |
| **آماره دوربین واتسون** | 0529/2 | **ضریب تعیین** | 4814/0 |
| **ضریب تعیین تعدیل‌شده** | 4201/0 |
| **آماره F** | 8547/7 |
| **سطح معناداری** | 000/0 |

منبع: یافته های پژوهش

ضریب تعیین *الگو* عدد 4814/0 را نشان می­دهد که بیانگر میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل است که افزایش این ضریب در *الگوی* (4) نسبت به *الگوی* (1) را نشان می­دهد. آماره بدست آمده در *الگوی* آزمون فرضیه فرعی سوم عدد 8547/7 با سطح معناداری کمتر از 05/0 است، که نشان می­دهد *الگوی* رگرسیونی معنادار است. به‌منظور آزمون فرضیه فرعی سوم و بررسی اثر دوگانگی نقش مدیرعامل بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، از آزمون والد استفاده‌شده و نتایج در نگاره(7) گزارش شده است.

##### **نگاره 7- نتایج آزمون والد فرضیه فرعی سوم**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **خطای استاندارد برآورد** | **سطح معناداری** | **آماره F** | **تفاضل ضرایب** | **ضرایب** |
| 002/0 | 000/0 | 3700/158 | 0276/0 | $β\_{4}$-$γ\_{4}$ |

منبع: یافته های پژوهش

براساس نتایج نگاره 7 با توجه به سطح معناداري آزمون والد ضرایب دو متغیر
معاملات با اشخاص وابسته ($β\_{2}$) و دوگانگی نقش مدیرعامل در معاملات با اشخاص وابسته ($γ\_{1}$) برابر 000/0 و کمتر از 05/0 است. بنابراین، فرضیه برابري ضرایب متغیرهاي پذیرفته‌نشده و ضرایب برابر نیستند. تفاضل ضرایب مثبت و برابر با 0276/0 است. ازاین‌رو، با وارد شدن دوگانگی نقش مدیرعامل به رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، اندازه و قدرت توضیح دهندگی ضریب کم شده است. بنابراین می­توان نتیجه گرفت که دوگانگی نقش مدیرعامل، رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف می­کند. بنابراین فرضیه فرعی سوم تایید می­شود.

####  نتایج آزمون مدل پنجم پژوهش

نتایج حاصل از آزمون *رابطه*(5)، در نگاره 8 ارائه‌شده است.

##### **نگاره 8- تحلیل رگرسیون *رابطه*(5)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **شرح** | **ضریب** | **آماره t** | **انحراف معیار خطا** | **سطح معناداری** |
| ***a1*** | **ضریب ثابت** | 5056/0- | 4198/6- | 0787/0 | 000/0 |
| **RPT** | **معاملات با اشخاص وابسته** | 0128/0 | 5293/5 | 0023/0 | 000/0 |
| **RPT\* Conc** | **معاملات با اشخاص وابسته\* تمرکز مالکیت** | 0077/0- | 7843/3- | 002/0 | 0002/0 |
| **Conc** | **تمرکز مالکیت** | 0646/0- | 1699/4- | 0154/0 | 000/0 |
| **Size** | **اندازه** | 027/0 | 8228/5 | 0046/0 | 000/0 |
| **Lev** | **اهرم مالی** | 0491/0- | 3330/1- | 0368/0 | 183/0 |
| **آماره دوربین واتسون** | 1653/2 | **ضریب تعیین** | 4552/0 |
| **ضریب تعیین تعدیل‌شده** | 3908/0 |
| **آماره F** | 0691/7 |
| **سطح معناداری** | 000/0 |

منبع: یافته های پژوهش

ضریب تعیین *الگو* عدد 4552/0 را نشان می­دهد که بیانگر میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل است که افزایش این ضریب در *رابطه* (5) نسبت به *رابطه(*1) را نشان می­دهد. آماره بدست آمده در *الگوی* آزمون فرضیه فرعی چهارم عدد 0691/7 با سطح معناداری کمتر از 05/0 است، که نشان می­دهد *الگوی* رگرسیونی معنادار است. به‌منظور آزمون فرضیه فرعی چهارم و بررسی اثر تمرکز مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، از آزمون والد استفاده ‌شده و نتایج در نگاره(9) گزارش شده است.

##### **نگاره -9 نتایج آزمون والد فرضیه فرعی چهارم**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **خطای استاندارد برآورد** | **سطح معناداری** | **آماره F** | **تفاضل ضرایب** | **ضرایب** |
| 002/0 | 000/0 | 6957/119 | 0206/0 | $β\_{5}$-$γ\_{5}$ |

منبع: یافته های پژوهش

براساس نتایج نگاره 9 با توجه به سطح معناداري آزمون والد ضرایب دو متغیر
معاملات با اشخاص وابسته ($β\_{5}$) و تمرکز مالکیت در معاملات با اشخاص وابسته ($γ\_{5}$) برابر 000/0 و کمتر از 05/0 است. بنابراین، فرضیه برابري ضرایب متغیرهاي پذیرفته‌نشده و ضرایب برابر نیستند. تفاضل ضرایب مثبت و برابر با 0206/0 است. ازاین‌رو، با وارد شدن تمرکز مالکیت به رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، اندازه و قدرت توضیح دهندگی ضریب کم شده است. بنابراین می­توان نتیجه گرفت که تمرکز مالکیت، رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف می­کند. بنابراین فرضیه فرعی چهارم تایید می­شود.

#### نتایج آزمون مدل ششم پژوهش

نتایج حاصل از آزمون رابطه(6)، در نگاره (10) ارائه‌شده است.

##### **نگاره 10- تحلیل رگرسیون رابطه 6**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **شرح** | **ضریب** | **آماره t** | **انحراف معیار خطا** | **سطح معناداری** |
| ***a1*** | **ضریب ثابت** | 5467/0- | 8686/5- | 0931/0 | 000/0 |
| **RPT** | **معاملات با اشخاص وابسته** | 0224/0 | 4079/7 | 003/0 | 000/0 |
| **RPT\* Inown** | **معاملات با اشخاص وابسته\* مالکیت نهادی** | 0151/0- | 6753/2- | 0056/0 | 0073/0 |
| **Inown** | **مالکیت نهادی** | 0534/0- | 4780/3- | 0153/0 | 0008/0 |
| **Size** | **اندازه** | 0149/0 | 9082/2 | 0051/0 | 0038/0 |
| **Lev** | **اهرم مالی** | 0754/0- | 0325/2- | 0371/0 | 0425/0 |
| **آماره دوربین واتسون** | 113/2 | **ضریب تعیین** | 4432/0 |
| **ضریب تعیین تعدیل‌شده** | 3774/0 |
| **آماره F** | 7368/6 |
| **سطح معناداری** | 000/0 |

منبع: یافته های پژوهش

 ضریب تعیین *الگو* عدد 4432/0 را نشان می­دهد که بیانگر میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل است که افزایش این ضریب در *رابطه* (6) نسبت به رابطه (1) را نشان می­دهد. آماره بدست آمده در *الگوی* آزمون فرضیه فرعی پنجم عدد 7368/6 با سطح معناداری کمتر از 05/0 است، که نشان می­دهد *الگوی* رگرسیونی معنادار است. به‌منظور آزمون فرضیه فرعی پنجم و بررسی اثر مالکیت نهادی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، از آزمون والد استفاده‌شده و نتایج در نگاره 11 گزارش شده است.

##### **نگاره 11- نتایج آزمون والد فرضیه فرعی پنجم**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **خطای استاندارد برآورد** | **سطح معناداری** | **آماره F** | **تفاضل ضرایب** | **ضرایب** |
| 0022/0 | 000/0 | 4442/179 | 0375/0 | $β\_{6}$-$γ\_{6}$ |

منبع: یافته های پژوهش

براساس نتایج نگاره (11) با توجه به سطح معناداري آزمون والد ضرایب دو متغیر
معاملات با اشخاص وابسته ($β\_{6}$) و مالکیت نهادی در معاملات با اشخاص وابسته ($γ\_{6}$) برابر 000/0 و کمتر از 05/0 است. بنابراین، فرضیه برابري ضرایب متغیرهاي پذیرفته‌نشده و ضرایب برابر نیستند. تفاضل ضرایب مثبت و برابر با 0375/0 است. ازاین‌رو، با وارد شدن مالکیت نهادی به رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، اندازه و قدرت توضیح دهندگی ضریب کم شده است. بنابراین می­توان نتیجه گرفت که مالکیت نهادی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف می­کند. بنابراین فرضیه فرعی پنجم تایید می­شود.

 **نتيجه‌گيري**

با توجه به نتايج به‌دست‌آمده از تجزيه و تحليل فرضيه‌هاي پژوهش، نشان می‌دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد و این موضوع با پژوهش‌های گردن و همکاران ]29[، فرح میتا و اوتاما ]26[ و سرلک واکبری ]9[ نیز مطابقت دارد. نتایج نشان داد که همه متغیرهای در نظر گرفته‌شده برای حاکمیت شرکتی با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری دارد، همچنین رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف می‌کنند. فرح میتا و اوتاما ]26[ نیز نشان دادند که سازوکارهای حاکمیت شرکتی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف کرده است. مالکیت‌های حقوقی نسبت به مالکیت‌های حقیقی می‌تواند یک عامل مؤثر بر کاهش اعمال‌نظر مدیریت در گزارش‌های مالی، ازجمله سود حسابداری شود. بنابراین، به نظر می‌رسد این موضوع می‌تواند سطح مدیریت سود در شرکت‌ها را کاهش دهد و با پژوهش آلوز ]21[ و همچنین استاد ]3[ مطابقت دارد. وجود سهامدارانی با درصد مالکیت بالا در شرکت سبب می‌شود که آن‌ها بر کیفیت گزارش‌های مالی، ازجمله سود حسابداری نسبت به سهامداران خرد توجه بیشتری داشته باشند. بنابراین، این مورد می‌تواند به‌عنوان یک عامل کنترلی تلقی شود و موجب کاهش مدیریت سود گردد، با پژوهش آلوز ]21[ مطابقت دارد. جدایی سمت مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره به‌عنوان یک عامل کنترلی می‌تواند بر کیفیت سود اثر مثبتی داشته باشد. لذا، این موضوع می‌تواند مانع از مدیریت سود در واحد تجاری شود. بنابراین نتیجه این پژوهش با نتایج کامیابی و همکاران]14[ مطابقت دارد. هر چه نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره افزایش پیدا کند، اعمال کنترل بیشتری بر فعالیت‌های مدیریت واحد تجاری صورت می‌گیرد، بنابراین میزان اعمال‌نظر مدیریت در سود کاهش می‌یابد. این نتیجه با پژوهش لیو و لو]37[، کامیابی و همکاران ]14[ و همچنین آقایی و همکاران ]1[ مطابقت دارد. هر چه نظارت بر فعالیت‌های مدیریت واحد تجاری بیشتر باشد، ازجمله معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود کمتری رخ می‌دهد، به ‌عبارت‌دیگر رئیس هیئت‌مدیره کمتر می‌تواند از طریق اعمال‌نظر در معاملات با اشخاص وابسته سود واحد تجاری را مطابق میل خود تعدیل نمایید. این نتیجه با پژوهش زهرا و پیرس]44[، آی گن و همکاران ]22[ و همچنین لیو و لو ]37[ مشابه است.

### پیشنهادهای پژوهش

#### پيشنهادهايي كه مي‌توان براي پژوهش‌هاي آينده ارائه داد، به شرح زير است:

#### 1. بررسی تأثیرسازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، براي دوره‌هاي کوتاه‌مدت کمتر از یک سال(صورت‌هاي مالی میان‌دوره‌ای).

#### 2. با توجه به نوسان‌هاي نسبی زیاد در عوامل اقتصادي، فرهنگی و سیاسی حاکم بر شرکت‌ها در کشورمان، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌هاي آتی از طراحی رگرسیون غیرخطی در تعیین تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود استفاده شود.

#### 3. تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، در هر صنعت به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرارگیرد.

#### 4. استفاده از مقياس‌هاي متفاوت براي اندازه‌گيري معاملات با اشـخاص وابسـته، ماننـد تعـداد طرفين درگير، نوع و مقدار ريالي معاملات با اشخاص وابسته.

#### 5. بررسی تأثیر دیگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی مانند مالکیت خانوادگی، مالکیت مدیریتی، ساختار هیئت مدیره و مالکیت دولتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود.

#### منابع

1. آقایی، محمدعلی؛ اعتمادی، حسین؛ آذر، عادل و پری چالاکی (1388). «ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش مدیریت سود». *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال چهارم، شماره 16، صص 53-27.
2. احمد پور، احمد و هادی منتظری (1390). «نوع مدیریت سود و تأثیر اندازه‌ی شرکت، ساختار مالکیت استاد، سهراب (1390). «بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود». *مجله علمی-پژوهشی حسابداری مالی*، شماره 2، صص 106-93.
3. استاد، سهراب (1390). «بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود». مجله علمی-پژوهشی حسابداری مالی، شماره 2، صص 106-93.
4. اعتمادی، حسین و معصومه صالحی راد (1390). «بررسی نقش چرخه عمر در رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». *فصلنامه نظریه‌های نوین حسابداری*، شماره 2، صص 45-20.
5. بولو، قاسم (1385). «نظام راهبری شرکتی و تاثیر آن بر کیفیت سود». *ماهنامه بورس*، شماره 59.
6. حساس یگانه، یحیی و نرگس یزدانیان (1386). «تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود». *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، شماره 17، صص 172-151.
7. خدادادی، ولی؛ رشیدی باغی، محسن؛ قربانی، رامین و مریم کاویانی (1392). «تأثیر ساختار مالکیت بر ارتباط بین جریان‌های نقد آزاد و استفاده بهینه از دارایی‌ها». *فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی*، شماره اول، صص 108-93.
8. خواجوی، شکرالله؛ محسنی فرد، غلامعلی؛ رضایی، غلامرضا و سید داود حسینی راد (1392). «بررسی اثرهای رقابت در بازار محصول بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، دوره اول، شماره 3، صص 134-119.
9. سرلک، نرگس و مینا اکبری (1392). «رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود». *فصلنامه علمی-پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره 20، شماره 74، صص 92-77.
10. شعری، صابر و الهام حمیدی (1391). «شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته». *مجله علمی-پژوهشی پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال دوم، شماره 6، صص 64-49.
11. شعری، صابر و محمد مرفوع (1386). «رابطه اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی با پیش‌بینی سود شرکت‌ها». *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، شماره 17، صص 104-63.
12. عاقبت بین، مهرنوش (1394). «بررسی رابطه‌ی بین ساختار مالکیت و معاملات با اشخاص وابسته با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی رقابت در بازار محصول». *دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
13. عباس زاده، محمدرضا؛ حصار زاده، رضا؛ جباری نوقابی، مهدی و سولماز عارفی اصل (1394). «فرا تحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود». *مجله علمی-پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره 22، شماره 1، صص 84-59.
14. کامیابی، یحیی؛ بوژمهرانی، احسان و فاضل نادری پلنگی (1393). «خطای پیش‌بینی سود، معاملات با اشخاص وابسته و نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره». *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال یازدهم، شماره 43، صص 151-135.
15. مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ مهرانی، کاوه و غلامرضا کرمی (1384). «نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال دوازدهم، شماره 42، صص 74-61.
16. مهدوی، امید و غلامرضا کشاورز حداد (1390). «آیا بازار سهام در اقتصاد ایران کانالی برای گذر سیاست پولی است». *تحقیقات اقتصادی*، شماره 71، صص 71-68.
17. مهرانی، ساسان و سونا نوروزی (1394). «بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود». *مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری مالی*، شماره 3، صص 122-105.
18. مهرانی، ساسان؛ فعال قیومی، علی و محمد مرادی (1391). «رابطه بین مالکیت نهادی،تمرکز مالکیت نهادی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری». *مجله دانش حسابداری*، سال سوم، شماره 11، صص 55-31.
19. نوروش، ایرج؛ سپاسی، سحر و محمدرضا نیکبخت (1384). «بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و دوم، شماره دوم، صص 177-165.
20. Ahmed, A.S and S. Duellman (2007). " Accounting Conservatism and Board of Director Characteristics: An Empirical Analysis." *Journal of Accounting and Economics*, PP. 411-437.
21. Alves, Sandra,(2012)."Ownership Structure and Earnings Management: Evidence from Portuga ."*Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, Vol. 6, No. 1, PP.57-74.
22. Aygun, Mehmet, Ic, Suleyman, and Mustafa Sayim.(2017). "The Effects of Corporate Ownership Structure and Board Size on Earnings Management: Evidence from Turkey". *International Italic of Business and Management*, Vol. 9, No. 12, PP.123-132.
23. Belkaoui, A.R. (1985). " Accounting Theory." *Second Edition, Harcourt Brace Jovanovich Inc. San Diego.*
24. Chen, K. Y., Elder, R. J., and Y. M. Hsieh (2007)."Corporate Governance and Earnings Management: The Implications of Corporate Governance Best-Practice Principles for Taiwanese Listed Companies". *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, Vol. 3, No. 2 ,PP.73-105.
25. Dechow, P. and D. Skinner (2000). " Eamings Management: Reconciling the Views of Accounting Academics, Practitioners and Regulators". Accounting Horizons, Vol. 14, PP. 235-250.
26. Farah Mita, A. and S. Utama. (2015). " The Influence of Corporate Governance Mechanism on the Relationship between Related Party Transactions and Earnings Management". *International Research Journal of Business Studies*, Vol. 7, No. 1, PP. 1-12.
27. Gao, L and G. Kling (2008). "Corporate Governance and Tunneling: Empirical Evidence from China". *Journal Pacific-Basin Finance* , Vol. 16, No. 5, PP.591-605.
28. Goodstein, J., Gautam, K. and W. Boeker (1994). " The Effect of Board Size and Diversity on Strategic Change". Journal Strategic Management, Vol. 15, PP. 50-241.
29. Gordon, E. A., Henry, E., and D. Palia (2004). "Related Party Transactions and Corporate Governance". Advances in Financial Economics, Vol. 9, No. 1, PP. 1-24.
30. Green, S. (2005). " Sarbanes Oxley and the Board of Directors" . *John Wiley and Sons, Inc, Hoboken, New Jercy.*
31. Jensen, M. and W. Meckling, (1976). "Theory of The Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure". *Journal of Financial Economics*,Vol. 3, PP.305-360.
32. Jian, M. and T.J. Wong (2010). "Propping Through Related Party Transactions" Review of Accounting Studies, Vol. 15, No. 1, PP.70-105.
33. John, K., Senbet, Lemma W., (1998). *Corporate Governance and Board Effectiveness. Journal*of Banking & Finance. 22, PP. 371-403.
34. Johnson, S., La Porta, R, Lopez de Silanes, F. and A. Shleifer (2000). Tunneling, *American Economic Review,* V0l. 90, No. 2, PP. 22-27.
35. La Porta, R. Lopez-De-Silanes, F,. Shleifer, A,. and R.W. Vishny (1998). " Law and Finance." *Journal of Political Economy*, Vol. 106, PP. 1113-1155.
36. Lara, J. M. G., Osma, B. G., and F. Penalva (2009). "Accounting Conservatism and Corporate Governance". *Review of Accounting Studies*, Vol. 14, No. 1, PP.161-201.
37. Liu, Q., and Z. J. Lu (2007). "Corporate Governance and Earnings Management in the Chinese Listed Companies: A Tunneling Perspective". *Journal of Corporate Finance*, Vol. 13, No. 5, pp.881-906.
38. Minnick, M. & T, Noga (2010). "Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management". *Journal of Corporate Finance*, Vol. 16, No. 5, PP. 703-718.
39. Ning, Y.P (2005). " The Theoretical Framework of Earnings Management". *Canadian Social Science*, Vol. 2, No. 2, PP. 32-38.
40. Schipper, K. (1989). "Earnings Management." *Accounting Horizons*, Vol. 3, No. 4, PP. 91-175.
41. Scott, W.R. (1997). " Financial Accounting Theory." *Prentice Hall, Scarborough*.
42. Stein, J, C (1997). " Intimal Capital Markets and The Competition for Corporate Resources." The Journal of Finance. Vol. 52, No. 1, PP.111-133.
43. Trueman, B,. S. Titman (1988). " An Explanation for Accounting Income Smoothing" *Journal of Accounting Research*, Vol. 26, 127-139.
44. Zahra, Shaker A. and J.A Pearce (1989). " Boards of Directors and Corporate Financial Performance: A Review and Integrative Model". *Journal of Management*, Vol. 2, PP. 291-334.

**Investigation of Moderating Effect of Corporate Governance on the Relationship between Related Party Transactions and Earnings Management**

 **(Evidence from Tehran Stock Exchange)**

The main objective of this study is to investigate the relationship between the related party transactions and earnings management with an emphasis on the role of moderating effects of corporate governance mechanisms. The research sample consisted of 72 listed companies on the Tehran Stock Exchange. In order to test the hypotheses, the Wald test and multivariate linear regression analysis were used. The results show that there is a significant relationship between related party transactions and earnings management. The results show that there is a significant negative relationship between all corporate governance variables and earnings management measures. By Considering the moderating role of the board size, the proportion of non-executive members of the board, dual role of, concentration of ownership, institutional ownership, it can be concluded that the board size, the proportion of non-executive members of the board, dual role of, concentration on ownership and institutional ownership have a significant effect on the relationship between the related party transactions and earnings management.

**Keywords**: Earnings management, Related party transactions, Mechanisms of corporate governance.